

طراحان هجائي

تپه های مختلفش او را بسوی استیک «بروگل» می کنند . فرم زنهایش هرگز تغییر نمیکند . پلیس هایش ابلهند و سربازانش وحشتاک و موجوداتی دارد که بصورت یک روباه تغییر شکل یافته اند . پرسوناژ هایش شلوارهایی می بوشند که یا خیلی بلند است یا خیلی کوتاه و «دوبو» برای ایجاد خنده آنقدر به این جنبه ها تکیه کرده که گاه از بینندۀ دایمی آثارش بیش از یک لبخند ساده نمی تواند بگیرد . این مصور کنندۀ داستانهای مضحك «پالزاک» و «دن کیشوت» و آفرینندۀ واقعی افانه های خدایان با آن ترن مضحکش ، راه تازه ای بوجود آورده وارد جدیدی خنده می سازد .

بلو

«بلو» در سال ۱۹۱۱ در «بوقوز» بدنیآمد ، و کارش را از هزل و نقاشی می سازد . کار هنری اش را از ۱۹۴۴ آغاز کرد . او موجود فریبندۀ ای را می آفریند . کلماتین غریز ! کلماتین عزیزی که در آرایشگاه پاهایش را در شوار می گذارد تا گرم شود . او از اینکه در مقابل تلویزیون بوسیده شود امتناع می کند ، مبادا بازیگر تلویزیون او را بینند ! «کلماتین» در بین والدین قرار گرفته که بسیار روشن فکرند و با یک لبخند ، سورپریز پارتی های او را «اگر دو نفری هم باشد» قبول می کنند . طرح های مطابیه آمیز «بلو» غالبا نشاط انگیزند و بینندۀ با دیدن کاریکاتورهایش خودرا در یک حالت شادمانی کامل می باید . در دنیای «بلو» همه چیز جنبه نشاط دارد . طرحهای رابطه ای است بین تصاویر «دوبو» و طراحان شاد امروز و از طنزی ساده و سهل و خالی از ابهام ساخته شده است .

پینه

«ریموند پینه» در سال ۱۹۰۸ در پاریس متولد شد . او آفرینندۀ زوج عاشقی است که خیلی مشهورند . شاعری با مو های بلند و ملون سیاه و دختری با کلاهی پر از گل که از لانه رندگان خارج می شود . مخلوقاتش نه شادند و نه مضحك و شاید کمی یک تو اخ باشند ولی بدليل پرستاژ های قشنگش «پینه» در ردیف اول طراحان قرار می گیرد . او ساله است که محبویتی پایدار یافته و در اغلب جشن ها و مراسمی که بافتخار یک میهمان عالیقدر خارجی در پاریس تشکیل می شود عروسکهایی که از روی پرستاژ های «پینه» ساخته شده بنمایش گذارده می شود . این امر میزان علاقه فرانه را به «پینه» میرساند . کار های مطبوع و جاذب غیر هزل ، یگانه این طراح سورئالیست ما را بدنیای فانتزی و پاک معلو از لذت و خوش میبرد . پینه طرحهایش را با اظراف پک شعر عرضه میکند .

کاریکاتوریست های معاصر را می توان بددسته بزرگ تقسیم کرد :
اول طراحان شاد چون «دوبو» «بلوس» و «پنیه» و سپس طراحانی که بدليل ماهیت طرحشان قابل توجهاند و هزل واقعی گرافیک توسط آنها آفرینده شده است . شوخی های عجیب ، غیرعادی ، کم نظری و بالآخره شوم ، هزل آنها را می سازد . اما اگر این هزل خنده آور نیست دلیل آن نمیشود که طرح آنان عجیب و جالب هم ننماید . از گروه اخیر میتوان «موز» ، «شاوال» ، «آندره فرانسا» میتوان «موز» ، «شاوال» ، «آندره فرانسا» ، «بوسک» و «سینه» را نام برد . در این مقاله شما را با بزرگترین طراحان هجائي یا باصطلاح خارجی کاریکاتوریست های معاصر و آثار آنان آشنا می کنیم :

دوبو

تردیدی نیست که «البر دوبو» طراحی است اریزنال . هر چند او بوجود آورنده توده در هم نیست و قبل از او «گوستاو ده» در قرن ۱۹ توده ترازیک و عجیب را خلق کرد اما «دوبو» آفرینندۀ توده ای کمیک و احقاق است و جمعیت در قلم اوست که جان میگیرد و به عنوان یک شاخص معرفی می شود . «دوبو» خیلی تحت تاثیر «بروگل» ، «بوش» ، «کالو» و حتی «گویا» است . در ۱۹۰۵ در مارسی متولد شد . از آن زمان که توانست داشکده هنر های زیبای «مون پلیه» را بیان رساند ، مقیم پاریس شد و در گوچه «سبورز» در خانه ای بر از کلاه گیس و ریش های مصنوعی که در الهام او تاثیر بسیار دارد اقامت گردید . در طرحهای «دوبو» عظمت جمعیت و دقت در جزئیات بچشم میخورد و اغلب کمپوزیسیون هایش کمتر از ۱۵۹ پرسوناژ ندارد و این رکوردي است پایدار که از «دوبو» بجای مانده است . تمی که دوبو در آن بیشتر کار گردد و آلبومی را به آن اختصاص داده «ترن» است . «دوبو» حداقل خنده را در این موضوع می آفریند . ترن های او دایره وار می چرخند که معمولاً پاسمند شده اند . دودکش ها با نبح بیکدیگر وصل شده دود از فاصله آنها بیرون می زند . ترن را گاه مانند یک بالکن با گلستان ترینیت می کند . این گره ها و وصله ها چیزهایی است که «دوبو» زیاد به آنها تکیه می کند . با آن زوج مشهورش : مرد کوچولوی سبیلو با شابوی ملون وزن خیلی چاق ، بزرگ و پرمو ،



یکی از کارهای «دوبو» نقل از مجله «فوریر دایجست»



یکی از کارهای «بلو»

شروع کارهای علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار جامع علوم انسانی



از : کوکری نیکی (۱۹۴۲)



طرح صورت «کوکری نیکی» (ساکالوف-کری لوف-
کوپری یاون)

شاوال

«ایوان لوران» میخواست «شاوال» Cheval بمعنی اسب . را برای کاریکاتور هایش انتخاب کند . اما اشتباه ناشر Cheval مشهور شد . در سال ۱۹۱۵ در «بوردو» متولد شد و تحصیلاتش در داشکده هنر های زیبای همانجا بود . بعد پیارس آمد و در رشته حکاکی کار کرد و از این آثار در سال ۱۹۵۰ نمایشگاهی ترتیب داد . اولین طرحهای هجایش در سال ۱۹۶۴ بچاپ رسید . یکال میریض شد و در اینحال نیز کاریکاتور میکشد . پس از آن دیگر قادر نبود که کاریکاتور بازد . او بدون تردید تحت تاثیر «گربوفا» و بعد «مارسل کای» است ، طراح اوایل این قرن که زود در فراموشی افتاد . طرحش نخست خشن بود ، کم کم ملامه می شود و غمگین ، اما سبک شخصی اش را کاملاً حفظ می کند . «شاوال» مثل «موز» آفرینش بزرگ شوختی هاست . صیادی که بلباس خرگوش درآمده ، روپوش سگی که بایک خودنویس ترین شده ، نگهبانی که برای زندانیان ویلن میزند ، از داستانهای «کنک» در آثارش بسیار میتوان یافت : و کیل مدافع برای دفاع از موکلش که بین دونگهبان شسته مشغول قلمبه گونی است و متهم در آخرین تصویر ، بمانند یک مصروع و کیل را با غوش می کند ، شخصی که تله ای در انبار قرار میدهد و در بازگشت شیری را در تله می بیند و گوریلی که زن شکارچی را می رباید و شکارچی هم با ربودن جفت گوریل تلافی میکند . در طرحهای «شاوال» یک چاشنی از شیطنت هم هست . بایانوئلی که بسبدش چرخ بسته و یا نقاشی که برای کشیدن علامت رانندگی تقاطع راه ، سلط بر منظره ایست که تقاطع یک دو راهی را نشان میدهد . کاریکاتور های «شاوال» تلخ است ، اما «مکابر» نیست و با اینهمه در هزل سیاه چند اثر جالب دارد از آن جمله‌اند تصویر یک مسلیحی که بمانند یک عکاس محکومش را تیرباران میکند .

موز

«موز» که اسم حقیقی اش «موئیز دوبون» است در سال ۱۹۱۷ بدینیا آمده و تا سال ۱۹۴۳ در تورن مدیر مدرسه بود و شبها هم در داشکده هنر های زیبای «تور» درس میخواند .

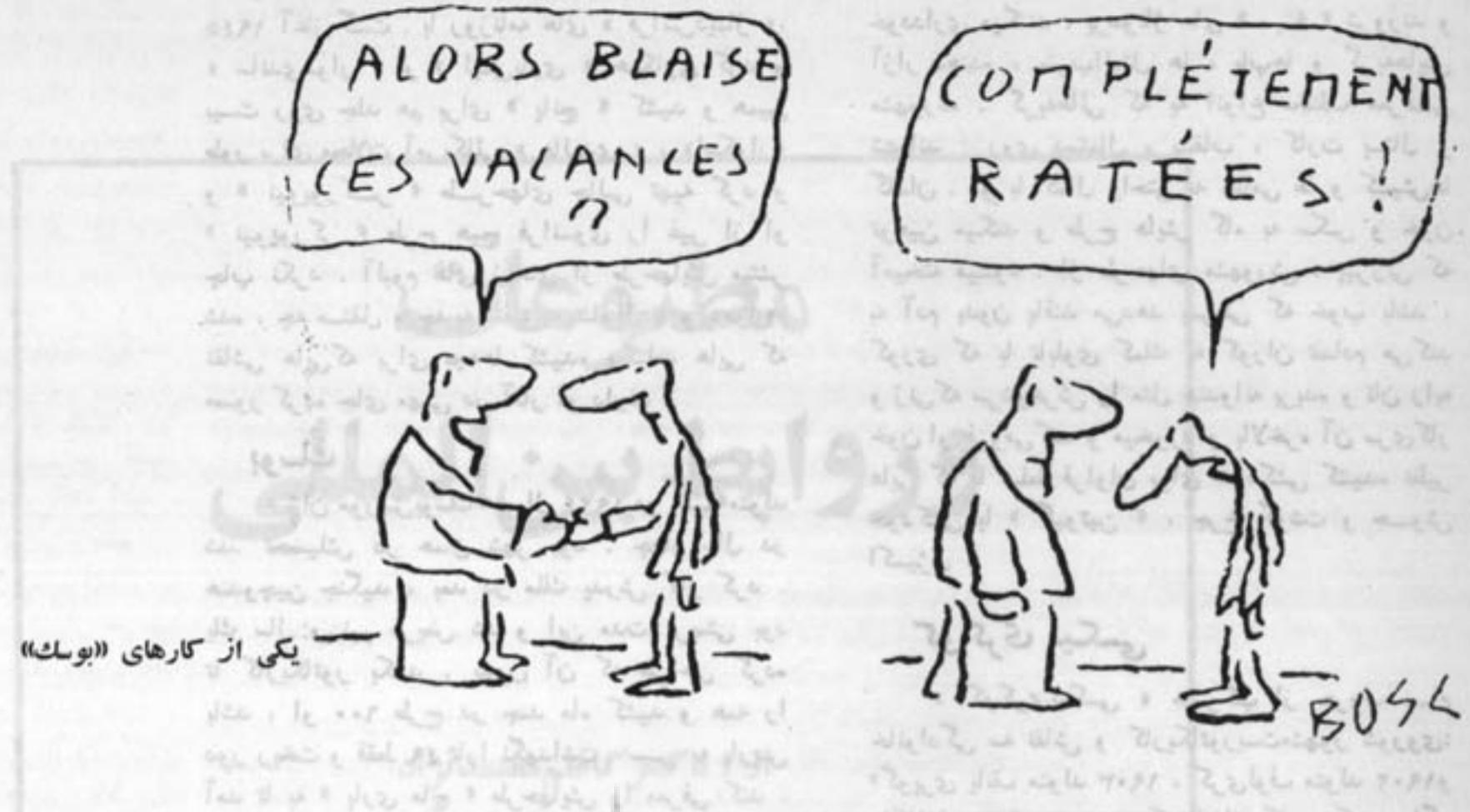
در اواخر سال ۱۹۴۵ پیارس آمد و در یک موسه انتشارات مشغول کار شد . با دیدن آلبوم طرحهای «استین برک» کاریکاتوریست آمریکائی خود را وقف طرحهای هجایی کرده و از اینراه هرگز باز نگشت و در کارش خیلی زود منفرد شد . همان کاریکاتور سیاهی که امروز خیلی رایج شده است ، هزل سیاه تردد اوست که به عظمت میرسد . هزل سیاه

«شاوال» یا «موریس هانری» پرحدانه و آلووه بجهات غیر طبیعی است . حتی هزل سیاه «آندره فرانسا» ، عمق آثار وی را ندارد . «موز» بعابری و حشمتاک و خونخوار را معرفی می کند و آن خشونت و توحش موجود در اطاقهای گاز و استعطاق را نشان میدهد . این آفرینش بزرگ شوخیهای «مکابر» ، خیلی دوست دارد آن لحظه‌ای را بکشد که حادثه میخواهد اتفاق بیافتد . تم هایش بی شمار است مثل عابری که بی تفاوت از کنار مفروق می گذرد سیاه پوستی که دروانی پر از آب سیاه استحمام میکند و بجهای که بیک پیش‌آهنگ پیر برای عبور از خیابان کمک می کند و بالاخره میخیونی که جلو شیر های گرسنه رهانده و مشغول خوردن شیر ها هستند . اگر گرایش طراحان جوان را بررسی کنیم «موز» صاحب مکتبی است در سال های ۱۹۵۰-۱۹۵۲ . بجای کاریکاتور های معمول زمان که شوختی و مزاج در آن زیاد بود و جراید عادت بجای آن کرده بودند «موز» کاریکاتورهایش را معرفی کرد ، کاریکاتور هائی که که از لحاظ عمق و معنی بیهیچوجه قابل مقایسه با کاریکاتور های پیشین نبود .

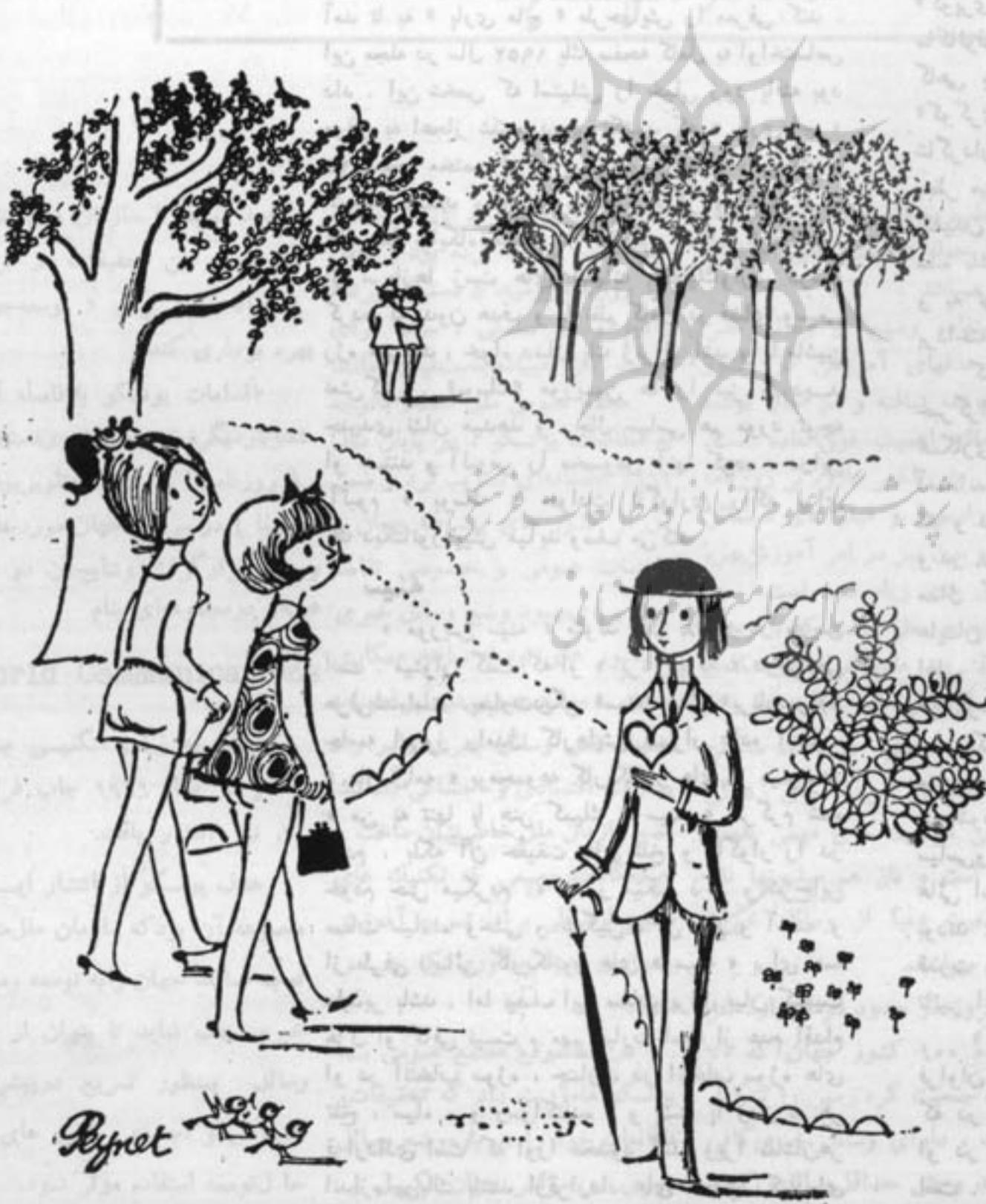
فرانسا

«آندره فرانسا» در سال ۱۹۱۵ در رومانی متولد شد . ماهیت طرحش جایگاهی استثنای بین سایر طراحان باو میداد . از اینکه او رادر شمار کاریکاتوریست ها باید گذاشت یا نقاشان تردید میشود ، ولی دقت در مجموعه آثارش طرحهای جدی و هزلی و صفحات رنگی اش نمایانشده گرایش او به کاریکاتور است . او موقعیتی خاص دارد و با اینکه هرگز با «پاری ماج» همکاری نکرده ولی برای آفیش ها طرحهایش ، مشهورتر از سایر طراحان شد . او خیلی تحت تاثیر «استین برک» است و همینطور «کلی» ، «گروس» ، «رائول» ، «شاگال» و بالاخره «دوفه» . برسوناژهایش با دهان بزرگ و چهره های تاریک خیلی زود شناخته میشوند . تمهای او عبارتند از : شوالیه ها ، بجهه ها ، حمام کننده ها ، نیمکت ها و آتلیه آرتیستها . «آندره فرانسا» احتیاجی به توضیح و نوشت برای کاریکاتور هایش نمی بیند ، نه برای سری افراد خال کوبی شده اش و نه در سری طرحهایی که برای انواع تخت خواب کشیده . در «هزل سیاه» ، «آندره فرانسا» آثار با ارزشی دارد . «هزل سیاه» او آدم را واقعاً مجاله میکند : مردی که در سینما باشمشیر سرزنی را که کلاهش مانع دیدن او هست قطعی می کند ، نقاشی که در ساحل رودخانه مشغول کشیدن مفروق است و بالاخره ماری که زن بافته ای را خورده و به جای او خواهد بود .

«آندره فرانسا» اول بدانشکده هنرهای زیبای بوداپست رفت و از سال ۱۹۳۱ تحصیلش را در پاریس ادامه داد . اولین کاریکاتورش در سال ۱۹۳۹



یکی از کارهای «بوسک»



یکی از کارهای «بیت»

اطاعت کرده و از دست زدن به بعضی « تابوها » خودداری میکنند ، پرسنل های « سینه » شرورند و آزار دهنده ، ضرب المثل ها ، پاپ ها و گربه هایش مشهورند . گربه هایی که به انواع مختلف معرفی شده اند : روی دستمال ، بشقاب ، کارت پستان و گلدان . او با کمال راحتی به نظامی ها و کشیش ها توهین میکند و طرح هایش گاه به سکس و خون آمیخته میشود . از طرح های مشهورش : پیرزنی که به آدم بدون پاقدن می دهد بشرطی که خوب باشد ، کوری که با تابلوی کلک به کوران تصادم می کند و زنی که سرو شورش را مثل هندوانه بریده و نان را به خون او فرمی کند و میخورد و بالاخره آن سری کار هایی که با تسلط فراوان برای خودکشی کشیده نظری خودکشی با « گیوتین » ، چرخ گوشت و جوش اکسیژن .

کوکری نیکسی

« کوکری نیکسی » مرکب از حروف نام خانوادگی سه نقاش و کاریکاتور است مشهور شوروی : « کوپری یاف مولود ۱۹۰۳ » ، کری لوف مولود ۱۹۰۲ و ساکالوف مولود ۱۹۰۴ » که با تفاوت کار میکنند و اگر کاهی بتهائی هم کار کنند باز در آخر کار فقط « کوکری نیکسی » است که اعضاء میگردند . هر سه شاگردان مدرسه « آردکوراتیو » مکو بوده اند . بنظر میرسد که همکاری مشترک آنان از ۱۹۲۴ با کشیدن کاریکاتور هایی برای جراید شوروی آغاز شده باشد . کتابهای بسیاری توسط آنها مصور شده و به تهیه مجسمه ها و عروسکهای هجانی نیز پرداخته اند .

کشیدن آفیش های سیاسی را از ۱۹۳۰ برای خبرگزاری تاس آغاز کردند . این طراحان در طی همکاری مشترک خویش با خذ جواز فراوانی نائل آمدند . در سال ۱۹۴۲ جایزه استالینی بآنها اعطای شد و در سال ۱۴۷۷ در نمایشگاه بین المللی پاریس و در ۱۹۵۸ در نمایشگاه جهانی بروکل طرح هایشان مدال گرفت . نمایشگاه های متعددی از کاریکاتور هایشان در گالری هنری شوروی برپا شده است و اغلب آنها در موزه های مهم شوروی نگهداری می گردد .

کاریکاتور های « کوکری نیکسی » در پراودا ، ستاره سرخ و مجله فکاهی « کورکودیل » چاپ می شود . تم اصلی کاریکاتور هایشان روی موضوعات سیاسی و اجتماعی است و شهرت اصلیشان روی کاریکاتور هایی است که علیه رژیم نازی و سران آن تهیه کرده بودند : طرح های محکم با طنزی تند و در نهایت قدرت و خشونت . و آثار بعدیشان نیز کاملا تحت تأثیر این کارهای است .

« کوکری نیکسی » آثار باصطلاح جدی نیز فراوان دارند مانند تابلو های مشهور « پایان » که در آن آخرین ساعت زندگی هیتلر و همراهان او در پناهگاه زیرزمینی در برلن مجسم گردیده است .

منتشر شد و همکاری اصلی اش با مطبوعات از سال ۱۹۴۵ آغاز گشت . با روزنامه های « فرانس دیماز » ، « ساندی سوار » و « ایسی پاری » همکاری کرد و بیست روی جلد هم برای « پانچ » کشید و همین طور برای مجلات آمریکانی « هالیدی » ، « اسکوار » و « نیویورکر » طرح های فرانسوی را غیر از او چاپ نکرد . آلبوم های زیادی از طرح هایش منتشر شده ، چه مستقل و چه به اتفاق « شاوال » و « موز ». نقاشی هایی که برای بچه ها کشیده و کتاب هایی که مصور کرده جای مهمی در آثار او دارند .

بوسک

« زان موریس بوسک » بسال ۱۹۲۴ در « نیم » متولد شد . تحصیلش در همان شهر بود . چهار سال در هندوچین جنگید ، بعد در ملک پدرش کار کرد . یک سال و نیم مريض شد و این مدت فرصتی بود تا کاریکاتور بکشد . بدون آن که طراحی کرده باشد ، او ۶۰۰ طرح در چند ماه کشید و همه را دور ریخت و فقط ۴۹ تارا نگهداشت . سپس به پاریس آمد تا به « پاری ماج » طرح هایش را معرفی کند . این مجله در سال ۱۹۵۲ یک صفحه کامل به او اختصاص داد . این شخص که استیلش را خیلی زود یافته بود موفق به اعجاز شد و دیری نگشید که « پاری ماج » ۲۵ صفحه مختص او کرد . پرسنل های « بوسک » کوچک هستند و اخمو با دماغ دراز و شبیه هم . نظامی ها جایگاه مهمی در آثارش اشغال کردند . از سربازها ژست های ابلهانه مکانیک واری درست کرده که بدون هدف و یا نظم کامل در فضای وسیعی رژه میروند ، خواه دنبال یک ژنرال باشد و یا مانشین نعش کش . « بوسک » موزیسین ها را بیز با دید جدیدی نشان میدهد و رجال سیاسی هم مورد توجه او هستند و آلبومی را مخصوص آنها کرده . در این آلبوم « بوسک » خواست ناگواری را که برای یک دیکتاتور پیش می آید وصف می کند .

سینه

« موریس سینه » متولد سال ۱۹۲۸ در پاریس است . میتوان گفت که او « بر نار دبوفه » در طراحی هزلی شده است . بعبارت دیگر « سینه » مثل « بر نار دبوفه » جامعه امروز را مدل کارهایش قرار داده است . « مارسل امده » بر مجموعه کاریکاتور های او مینویسد : « من نه تنها با هنر کمیک « سینه » سرگرم شده بودم ، بلکه آن حقیقت های تلخ و ناگوار را در خودم حس میکردم . » تصور میکنم ذکر و شرح این صفات سیاه ، وحشی و غمگین ، بی نظم و آشفته و از طرفی زیبائی کاریکاتور های « سینه » برای همه دلپذیر باشد . اما وصف این صفات برای بیان کیفیت هزل او کافی نیست ، مهم عبارت است از عدم اقدام او در انتخاب سوزه ، جارت در انتخاب سوزه های تلخ ، سیاه ، و رسوایت نده ، و پشت پا زدن به هر قراردادی است که اورا محدود کند . زیرا نقاشان هر اندازه بیباک باشند از قرارداد های محدود کننده ای